



و «مصطفی» گریان شد...

❏ در این ستون برشی از «کتاب روضه» که متن تصحیح شده کتاب «روضه الشهدا» اثر ملا حسین واعظ کاشفی به سعی محمد حقی است را با هم می‌خوانیم: حسین امام سیم است از ائمه اهل بیت و ابوالائمه است، کنیت وی ابوعبد... و لقب وی زکی و شهید و سید و سبط. ولادتش در مدینه بود، روز سه‌شنبه، چهارم ماه شعبان و گفته‌اند: پنجم ماه و گویند: مدت حمل وی، شش ماه بوده است و هیچ فرزند، شش ماهه متولد نشده که زیسته باشد، مگر وی و یحیی بن زکریا.

مژده قدومش به حضرت سید کائنات - علیه افضل الصلوات - رسیده به خانه فاطمه تشریف داد. اسماء او را در خرقه سفید پیچیده، برکنار آن حضرت نهاد و سرور عالم بانگ نماز در گوش راست و قامت در گوش چپ وی گفت و فرمود که یا علی، این پسر را چه نام نهاده‌ای؟ گفت: مرا جرات آن‌که بر حضرت شما سبقت کنم به نام او نبود؛ اما در خاطر می‌گذشت که او را حرب نام کنم و قولی آن است که به نام برادر خود، جعفر، مسمی گردانم. حضرت فرمود که من نیز در تسمیه او بر حق سبقت نمی‌کنم. مقارن این حال جبرئیل مسمی گردانیدی، این فرزند هم همانم دیگر پسر هارون باشد. حضرت پرسید که پسر دوم هارون چه نام داشت؟ گفت: شبیر.

گفت: ای جبرئیل این لغت، عبری است و مرا حق. سبحانه. لسان عربی مبین کرامت فرموده، چگونه فرزند خود را به لغتی دیگر نام نهم؟ جبرئیل فرمود که یا رسول الله... معنی شبیر به لغت عربی، حسین است، پس آن حضرت او را حسین نام نهاد.



چون حسین متولد شد، حق - سبحانه - جبرئیل را بفرستاد و گفت: برو حبیب ما را تهنیت برسان و بعد از آن خبر ده او را از قتل حسین و تعزیت آن به وی رسان. چون جبرئیل بیامد، حسین برکنار رسول بود و آن حضرت بوسه بر حلق او می‌داد پس جبرئیل تهنیت فرمود و آغاز تعزیت رسانیدن نمود. حضرت، سؤال کرد که سبب تهنیت، معلوم است. موجب تعزیت چیست؟ جبرئیل گفت: یا رسول الله... این موضع از حلق این پسر که حالا بوسه‌گاه توست بعد از شهادت مادر و پدر، به تیغ جفا، مجروح خواهند گردانید و شمه‌ای از واقعه کربلا به عرض خواجه رسانید. مصطفی گریان شد.



در اخبار آمده روزی رسول، صلی الله علیه و سلم، با جمع یاران در کوچه‌ای می‌گذشت، جماعتی از کودکان بازی می‌کردند، آن حضرت، صلی الله علیه و سلم، فراز رفت و از آن میان کودکی را برگرفت و بر پیشانی او بوسه داد و او را برکنار نشانند. برخی از یاران گفتند: یا رسول الله... ما این کودک را که به دولت نوازش شما، سرفراز شد نمی‌دانیم کیست و حالش چیست؟ گفت: ای یاران، مرا ملامت مکنید که من روزی دیدم که این کودک با حسین من بازی می‌کرد و خاک قدم او برمی‌گرفت و بر چشم خود می‌مالید. از آن روز باز او را دوست گرفتم و فردا شفیع وی و پدر و مادر وی خواهم بود. ❏

ب بسم ا... ۲ قفسه

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
سه‌شنبه ۱۲ شهریور ۹۸ ■ شماره ۳۸

مروری بر «مجلس حر بن یزید ریاحی» سروده علی معلم دامغانی

سلامی شاعرانه به «قبله غمناک»

واگویه‌های حر در این نیمایی مطابق با فطرت هر انسانی است و خواننده در لحظه لحظه شعر خود را به تماشا می‌نشیند و معلم در واقع تلنگرهای شاعرانه‌ای به خواننده‌اش زده است. شعری که برای اولین مرتبه در حضور رهبر انقلاب خوانده شد و پس از آن به بهانه‌های مختلف درباره آن سخن گفته شد. معلم با وجود این‌که در این شعر با قالبی نو سخن گفته اما به هیچ‌روی دنبال درشت‌گویی و پیچیده‌سرایی نبوده، بلکه می‌خواسته واگویه‌های خود و عرض ارادت شاعرانه‌اش را به گوش خواننده برساند.

مرامور کردستند

پس معذور گردستند

و چشمان دلم را کور کردستند

و محروم از جمال نور کردستند...

شاعر در این روایت منظوم از اتفاقات منتهی به روز عاشورا سخن می‌گوید و حر را در برابر خویش قرار داده و خواننده اتفاقات را در روایتی پرشور با زبانی فاخر می‌خواند.

در بخشی از مقدمه این کتاب آمده: «این منظومه، که لحنی حماسی - عاشقانه دارد، با فرازهای برجسته‌اش، می‌تواند مدخل پرسش‌های جدی‌تری باشد در ماجرای این مرد ریاحی، که تاریخ عاشورا، جز نقل چند روز از احوال او را در اختیار ما قرار نداده است. این منظومه، پوسته زیبا و منقشی دارد که در حد خود، مانند دیگر سروده‌های علی معلم، بسی جذب‌کننده و پی‌آور است، اما فرازهای بسیار برجسته آن، در عین زیبایی، گاه تا حدی عمیق است که بداعت و نوآوری آن را در داستانی که به تکرار شنیده‌ایم، چند برابر می‌کند.»

زبان مهم‌ترین و برجسته‌ترین عنصر در این منظومه بلند است که علی معلم دامغانی از آن برای رساندن پیامش استفاده کرده و خواننده را در کنار این‌که در برابر یک رویداد تاریخی قرار می‌دهد و با تجربه‌ای متفاوت از زبان‌آوری و بدایع زبانی روبه‌رو می‌کند. شعری که هر خواننده‌ای را متحیر کرده و ارتباط عاطفی مخاطب را با اصل رویداد محکم و استوار می‌کند.

«مجلس حر بن یزید ریاحی» در واقع قسمتی از منظومه مفصلی از معلم دامغانی است که او بر مبنای زیارت وارث آن را سروده و دارای جنبه‌های مختلفی اعم از عشق و حماسه است. این کتاب در دو فصل تدوین شده که فصل اول آن به مقدمه با تشریح و توضیح به قلم محمدرضا تقی‌دخت اختصاص یافته و فصل دوم کتاب، منظومه را شامل می‌شود. ❏

❏ حر بن یزید ریاحی از شخصیت‌هایی است که در واقعه عاشورای ۶۱ نماینده گروهی از جامعه است که در دستگاه سیدالشهدا (ع) نقش آفرینی کرده و برگی از تاریخ این رویداد مهم تاریخ را به نام خود زده است. شخصیتی که سرنوشت جذابی دارد و حضورش در برابر کاروان امام حسین پیش از محرم و بستن راه بر ایشان تا همراهی و شهادت در رکاب ایشان داستانی پر فراز و فرود است که هر خواننده‌ای را به خود می‌خواند تا تصویری از خود را در این داستان جست‌وجو کند.

یونس فردوس

روزنامه‌نگار

سلام ای سبط سالار امین خاک تا افلاک

سلام ای خاندان لایق لولاک

سلام ای پاک، پور پاک

سلام ای قبله غمناک

علی معلم دامغانی که شعرش در میان همنسلانش ویژگی‌های متمایزکننده دارد در یک نیمایی بلند با همان ویژگی‌های زبانی ماجرای حر را روایت کرده است. شعری سراسر حماسه و شور که هر خواننده‌ای را مبهوت و مجذوب خود می‌کند. شعری که خواننده گاهی از خود می‌پرسد که مشغول خواندن یک شعر نو است یا برشی از شاهنامه فردوسی را می‌خواند؟ زیر زبان کهن در کنار قالب متفاوت آن سبب شده شاهد اثری متفاوت باشیم. شعری که در سال ۸۸ سروده شده و طی این سال‌ها از سوی یک‌ه‌شتاسان مورد توجه قرار گرفته است. معلم با وجود این‌که اشعارش را باید برای مخاطبان خاصی دسته‌بندی کرد در این نیمایی همه را دعوت به شعر کرده است. شعری متفاوت که خواننده را در معرض یک شعر آیینی متمایز از غالب شعرهای آیینی قرار می‌دهد.

من و این مایه خودبینی؟! - خدایا دور-

بدکردم

چرا وقتی سخن از راه رجعت کرد،

چرا وقتی به جد آهنگ هجرت

کرد

رد کردم؟! ❏



واگویه‌های حر در
این نیمایی مطابق
با فطرت هر انسانی
است و خواننده در
لحظه لحظه شعر خود
را به تماشا می‌نشیند
و معلم در واقع
تلنگرهای شاعرانه‌ای به
خواننده‌اش زده است

